

# نبرد پیشگیرانه جنگ طلبان!

ردلف آگستین مدیر مسئول مجله اشپیگل

همیشه طالب صلح به هر قیمتی نبوده است، می نویسد: "انحلال یک دولت خارجی را موضوع تهدیدات نظامی می داند" و با یک حمله دفاعی، تمام سیستم صلح ۱۶۴۸ وستفالن، که پایه و اساس آن عدم مداخله قدرت های بیگانه در امور داخلی دول مستقل است را به زیر سؤال می برد. فقط یک نوع جنگ بین دول مستقل مجاز است: دفاع در مقابل یک تهدید واقعی. آیا واقعاً بغداد آمریکا را تهدید کرده است؟

اگر منظور این است، که به مراکز سازمان القاعده حمله بشود، پس بایستی بوش به پاکستان حمله می کرد. اگر کشوری با دکتربینادگرایی خشن و افراطی هدف بود، بایستی بوش عربستان سعودی را در نظر داشت. اگر بدان فکر شده بود که قدرت واقعی اتمی در خاورمیانه را نابود کند، برای بوش، دولت اسرائیل تنها دولت مورد نظر می توانست باشد.

هرچند که نابودی تسلیحاتی عراق به وسیله بازرسان سازمان ملل، بعد از جنگ کویت به طور کامل انجام نشده باشد، اما بغداد در حال حاضر نه تنها تهدیدی جدی برای اروپا نیست، به هیچ وجه خطری برای آمریکا هم محسوب نمی شود.

البته دولت آمریکا این را می داند. منظور آنها انتقام از مردی است، که واشنگتن را تحریک و از تحقیر آنها لذت می برد؛ هرچند که آنها در درازمدت دستیابی به نفت منطقه را در نظر دارند. برای این کار استدلال های مورد قبولی برای یک حمله برنامه ریزی شده لازم است. وزیر دفاع آمریکا (رونالد رامسفلد) می خواهد ارتباط عراق با القاعده را کشف کرده باشد. با وجود این در این سناریوی تهدید، حتی سازمان سیا هم

آنچه که در حال حاضر، واشنگتن با آن دست به گریبان است، وضعیت روانی (شیزوفرنی) است. جورج دبلیو بوش سعی می کند دنیا را آرام کند، از این رو، از سویی اعلام می کند حمله به عراق قطعی نشده است، اما از سویی دیگر و در دنباله همان جمله بندی اضافه می کند که تغییر رژیم در بغداد غیر قابل بحث است!

پس چگونه؟ شاید با بحث اقلیتی؟ یا این که این مرد در کاخ سفید فکر می کند، که صدام حسین با تمایل کامل گلوله ای را تحویل خواهد داد که با همان گلوله مهمان خود ابونضال را (بعد از بازجویی های گسترده به وسیله سازمان جاسوسی عراق) به قتل رساند.

اگر موساد و سیا نتوانند صدام را خاموش کنند، یک حمله نظامی قوی لازم است و این، سؤال قانونی بودن حمله را مطرح می کند و این که آیا ما آلمانی ها هم در آن شرکت داشته باشیم؟ و این یکی از اسرار احزاب مخالف دمکرات مسیحی خواهد ماند، که چرا اکنون درباره آن بحث و گفتگو نشود و این باید انجام شود.

فرمانده سابق ناتو در اروپا "وسلی کلارک" احتمال حمله بوش به عراق را، در سال آینده حدود ۷۰ درصد تخمین می زند. اما یک حمله پیش گیرانه از نظر قوانین بین المللی (هجوم و شروع به جنگ) ممنوع است و بدین صورت یک جنایت بین المللی رخ خواهد داد. همان طور که "یورگ فیش" استاد تاریخ دانشگاه زوریخ در روزنامه (ولت وُخه) نوشته است، بیسمارک، که واقعاً پاسیفیست هم نبود، در تمام طول زندگی به شدت از حمله پیشگیرانه اجتناب می کرد و هنری کیسینجر، که خدا می داند

نمی خواهد واقعاً به او حق بدهد. چندین بار اداره جاسوسی همکاری نکرده است. اطلاعات منتشر شده درباره دیدار افراد بن لادن با عراقی ها بسیار سطحی و سست بودند، و همکاری آنها را در وقایع یازده سپتامبر، می توان غیرمحمول دانست. اگر چنین باشد که تصمیم در مورد حمله به عراق به سازمان ملل احاله شود، واشنگتن از این اقدام به هراس خواهد افتاد؛ چرا که مطمئن نیست اکثریت را برای این امر به دست آورد.

در آمریکا، که هنوز دموکراسی برقرار است، سیاستمداران برجسته و نظامی ها با حمله نظامی مخالفت کرده اند، و احساسات عمومی هم برای حمله نظامی سریع فروکش کرده است. (که احتمالاً این حمله بایستی

می کنند. این چیزی است که در مورد موضوع عراق قبلاً باید اتفاق می افتاد. البته "متحد بدون قید و شرط" جمله اشتباهی است که اشرودر در مورد جنگ بر ضد تروریسم برای پشتگر می آمریکایی ها در بین متحدینش به کار برد. مثلاً در دهه هشتاد، دولت ریگان، صدام حسین را - که براساس دکترین روزولت در مقابل (به قول آنها) حاکمان خونخوار، مفید برای منافع ژئوپولیتیکی آنها می دانست - کمک می کرد. اگر صدام نامشروع است، اما او بچه نامشروع ماست.

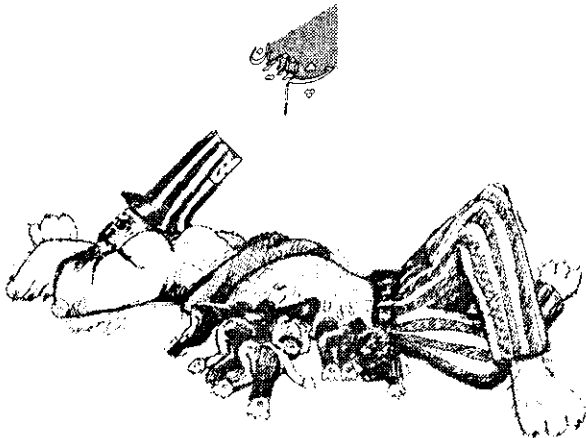
در جنگ صدام دیکتاتور عراق بر ضد رژیم ایران، و شنگتن نه تنها عکس های شناسایی جنگی برای عراق می فرستاد، بلکه به متحد عراقی

## اگر بدان فکر شده بود که قدرت واقعی اتمی در خاورمیانه را نابود کند، برای بوش، دولت اسرائیل تنها دولت مورد نظر می توانست باشد.

در جنگ صدام دیکتاتور عراق بر ضد رژیم ایران، واشنگتن نه تنها عکس های شناسایی جنگی برای عراق می فرستاد، بلکه به متحد عراقی خود کمک تسلیحاتی می کرد و حتی در طراحی نبردهای نظامی نیز شرکت می کرد و این از واقعیت های آشکار بود. اما چیزی که هفته گذشته فاش شد این بود که: سازمان های جاسوسی آمریکایی در آن زمان می دانستند که صدام گازهای شیمیایی جنگی را به کار می برد، ولی این کار به نظر آنها در آن زمان از نظر ژئوپولیتیکی خطرناک نبود!

به تنهایی انجام پذیرفته و هزینه زیادی هم در بر داشته باشد.) در حال حاضر در هیچ کدام از کشورهای اروپایی هم اکثریتی حتی ضعیف برای حمله به عراق وجود ندارد و حتی انگلستان، که به طور سنتی نزدیک ترین متحد نظامی آمریکا است، به نقشه بوش با تردید نگاه می کند. صدراعظم آلمان (اشرودر) تأکید می کند که آلمان به هیچ وجه در یک "ماجرای جویبی" نظامی در عراق مداخله نمی کند. او حق دارد، حتی اگر هم در مبارزات انتخاباتی حزب سوسیال دمکرات، صداهای تند و تیزی به گوش برسند، بهتر از این در به آن در زدن و تاکتیک به آینده موکول کردن احزاب دمکرات مسیحی است و این امر از وزیر سیاست خارجی جهانی (آقای شویله) گرفته تا نامزد صدراعظمی (اشتویبر) صدق می کند و اگر این موضع گیری صریح صدراعظم آلمان، سفیر آمریکا در آلمان را ناراحت می کند که اعتراض خود را در مقابل روزنامه های مورد نظرش اظهار می دارد، این حق اوست.

\* مترجم: صلحی که به دنبال جنگ سی ساله اروپا برقرار شد.



اگر واشنگتن هم تعجب نکند، دولت آمریکا غیرمستقیم به صدراعظم آلمان در مبارزه انتخاباتی کمک می کند. این موضع گیری سیاسی عمومی آمریکایی ها با مفهوم این که "ما آقای دنیا هستیم" فقط می تواند برای حزب سوسیال دمکرات جلب آرا نماید.

دوستان واقعی آنها نیستند، که به "اتحاد با متحد، بدون قید و شرط" سوگند می خورند، بلکه آنها هستند که انتقاد خود را صریح و روشن بیان